

تأثیر اکوسیستم کارآفرینی بر فعالیت کارآفرینانه؛ تحلیلی بر مبنای داده‌های GEM

*حسین ترابی

**مسعود خیراندیش

***محسن محمدی خیاره

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مدیریت کارآفرینی، دانشکده علوم انسانی، علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه گنبدکاووس، گنبدکاووس، ایران

** استاد گروه اقتصاد، دانشکده علوم انسانی، علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه گنبدکاووس، گنبدکاووس، ایران

*** استاد گروه اقتصاد، دانشکده علوم انسانی، علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه گنبدکاووس، گنبدکاووس، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۲۸

چکیده

محققان زیادی اهمیت اکوسیستم کارآفرینی در بهبود فعالیت‌های کارآفرینانه را گوشزد کرده‌اند؛ باوجوداین، مطالعاتی که به‌صورت کمی به تحلیل ارتباط متقابل بین اکوسیستم کارآفرینی و تأثیر آن بر افزایش فعالیت‌های کارآفرینانه در مراحل مختلف کارآفرینی پرداخته باشند بسیار محدود است. لذا، هدف مطالعه حاضر، پر کردن شکاف موجود در ادبیات کارآفرینی و نیز بررسی تأثیر این دو متغیر در مراحل مختلف توسعه‌یافتگی کشورها است. در این راستا، با استفاده از داده‌های ۱۰۷ کشور عضو دیده‌بان جهانی کارآفرینی (GEM) برای سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۰۸ و از طریق الگوی اقتصادسنجی گشتاورهای تعمیم-یافته (GMM)، رابطه بین اجزاء اکوسیستم کارآفرینانه و میزان فعالیت‌های کارآفرینانه انجام شده است. نتایج این مقاله نشان داد که تأثیر محیط مالی بر مراحل کارآفرینی در کشورهای منبع محور منفی و معنادار بوده است. بااین‌حال، تأثیر آموزش کارآفرینی در سطوح پایه، پویایی بازار داخلی، منزلت اجتماعی کارآفرینان (فرهنگ کارآفرینی) و رشد تولید ناخالص داخلی بر روند رشد کارآفرینی در کشورهای منبع محور تأثیر مثبت و معنادار داشته است. همچنین نتایج بیانگر آن است که عوامل اکوسیستم مانند سیاست‌ها و برنامه‌های دولت، مالیات و بروکراسی، آموزش کارآفرینی در سطح پایه و دانشگاهی، انتقال تحقیق و توسعه، زیرساخت‌ها، پویایی بازار و محیط کسب‌وکار مناسب بر روند ترویج و رشد فعالیت‌های کارآفرینانه در مراحل مختلف کارآفرینی در کشورهای کارایی و نوآوری محور تأثیر مثبت و معنادار داشته است. در مجموع نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که در یک اکوسیستم کارآفرینانه با ویژگی موانع ورود به بازار کم، سیاست‌های حمایتی دولت‌ها برای کارآفرینان، تحصیلات پایه‌ای و دانشگاهی در زمینه کارآفرینی، زیرساخت‌های بازرگانی و قانونی توسعه یافته، وجود فرهنگ هنجاری حمایت‌کننده کارآفرینی و محیط کسب‌وکار مناسب، فعالیت‌های کارآفرینانه افزایش می‌یابد.

کلیدواژگان: اکوسیستم کارآفرینی، دیده‌بان جهانی کارآفرینی، کارآفرینی نوپا، کارآفرینی تثبیت‌شده، انگیزه‌های کارآفرینانه

نوع مقاله: پژوهشی

۱- مقدمه

محیط خاص داشته باشند. عواملی مانند دسترسی به تأمین مالی کارآفرینانه، حمایت و سیاست‌های دولت، وجود برنامه‌های کارآفرینی دولتی، آموزش کارآفرینی، سیاست‌هایی که به انتقال تحقیق و توسعه منجر می‌شوند، زیرساخت‌های قانونی و تجاری، پویایی‌های بازار در ارتباط با تغییر و باز بودن تجاری، سهولت مقررات ورود به کسب‌وکار و حمایت از حقوق مالکیت معنوی از جمله

اکوسیستم‌های کارآفرینی، مجموعه‌هایی متشکل از تعداد زیادی بازیگران مستقل (مانند دولت‌ها، دانشگاه‌ها، سرمایه‌گذاران، مشاوران باتجربه، ارائه‌دهندگان خدمات، رسانه‌ها و شرکت‌های بزرگ) هستند که می‌توانند نقش مهمی در توسعه و سطح فعالیت‌های کارآفرینانه برای یک

• آیا تأثیر اکوسیستم کارآفرینانه بر فعالیتهای کارآفرینانه برحسب درجه توسعه یافتگی کشورها متفاوت است؟

به پیروی از تحقیقات قبلی مانند لوی و اوتیو^۶ (۲۰۰۸)، در این پژوهش با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم یافته^۷ آرانو و بوند^۸ (۱۹۹۱)، تأثیر شرایط و چارچوب کارآفرینی^۹ ارائه شده توسط دیده بان جهانی کارآفرینی (GEM)، بر میزان فعالیتهای کارآفرینانه در مراحل مختلف توسعه یافتگی کشورهای عضو GEM، ادر دوره زمانی ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۷ مورد بررسی قرار می گیرد.

ساختار مقاله حاضر به صورت زیر سازماندهی شده است: در بخش دوم، مبانی نظری تحقیق ارائه می گردد که در آن مفهوم اکوسیستم کارآفرینانه و تأثیر اجزاء آن بر میزان فعالیتهای کارآفرینی تشریح می گردد؛ در بخش سوم، روش شناسی تحقیق و داده ها ارائه شده است که توضیح دقیق از روش و جمع آوری داده ها ارائه می دهد. در بخش چهارم، تجزیه و تحلیل تجربی انجام شده و در بخش پنجم نتیجه گیری و پیشنهادات ارائه شده است.

۲- مبانی نظری و پیشینه

۲-۱- اکوسیستم کارآفرینی

توسعه کارآفرینی نیازمند شبکه ای از عناصر مختلف است که از این شبکه به عنوان اکوسیستم کارآفرینی نام می برند. در تجزیه واژه اکوسیستم کارآفرینانه کلمه کارآفرین، فردی است که عهده دار برنامه ریزی و ریسک های مربوط به بنگاه خود است و از واژه ای فرانسوی *Entrepreneur* مشتق می شود و اولین بار در فرانسه در سال ۱۸۶۲ به کار رفت که به معنی بر عهده گرفتن و متعهد شدن است. واژه اکوسیستم به معنی محیط نزدیک است و در مورد روابط پیچیده میان ارگانیزم های زنده و محیط آن و تأثیر فعالیتهای انسان بر این روابط است (کریستیان^{۱۰}، ۲۰۰۳). قرار دادن این دو واژه با یکدیگر، یک واژه جدید به نام اکوسیستم کارآفرینی خلق می کند که به عنوان عنصری اعم از افراد، سازمان ها یا نهادها تعریف می شود (تئودوتو و همکاران^{۱۱}، ۲۰۱۲). اکوسیستم کارآفرینی به

عوامل تشکیل دهنده یک اکوسیستم کارآفرینانه است. این عوامل باعث ایجاد ارتباطات پیچیده بین بازیگران اقتصادی می شود که آن ها را برای ایجاد یک جامعه کارآفرینانه تشویق می کند.

پژوهش حاضر، مبتنی بر این دورنما و با هدف درک و شناسایی نقش اکوسیستم کارآفرینانه بر فعالیتهای کارآفرینانه انجام گرفته است. گرچه دانش موجود در مورد کارآفرینی افزایش یافته است، اما مراحل مختلف کارآفرینی در طی روند توسعه یافتگی کشورها متفاوت است. موانع اجتماعی، فرهنگی و ایدئولوژیک می توانند بر کارآفرینی تأثیر گذاشته و در نهایت بر تمایل افراد برای مشارکت در فعالیتهای کارآفرینی تأثیرگذار باشند. در ادبیات موجود، رابطه بین توسعه اقتصادی و کارآفرینی با استفاده از دو مدل توضیح داده می شود. در مدل اول، این ارتباط از طریق تفاوت در فعالیتهای اقتصادی در بین مراحل توسعه اقتصادی توضیح داده می شود (پورتر^۱، ۱۹۹۰). در مدل دوم برای توضیح ارتباط بین کارآفرینی و توسعه اقتصادی، انگیزه های فعالیتهای کارآفرینی به عنوان عامل توضیح دهنده این ارتباط مورد بررسی قرار می گیرد (رینولدز و همکاران^۲، ۲۰۰۱). تحقیقات تجربی در این ارتباط، سه مرحله مختلف فعالیت کارآفرینی را نمایان ساخته اند که عبارتند از: انگیزه های کارآفرینی^۳، کارآفرینی نوپا^۴ و کارآفرینی تثبیت شده^۵. همان طور که کشورها به سمت مراحل بالاتر توسعه اقتصادی حرکت می کنند، نرخ فعالیتهای کارآفرینی نوپا بتدریج کاهش یافته و بر میزان سطوح کارآفرینی تثبیت شده افزوده خواهد شد (رینولدز و همکاران، ۲۰۰۱).

با توجه به اهمیت کارآفرینی در اقتصاد هر کشور و همچنین اهمیت فعالیتهای کارآفرینانه برای ایجاد اشتغال و افزایش رشد اقتصادی، این مطالعه به دنبال پاسخگویی به سؤالات زیر انجام گرفته است:

• آیا اکوسیستم کارآفرینانه بر سطح فعالیتهای کارآفرینانه تأثیر دارد؟

⁶. Levie & Autio

⁷. General Method of Moments (GMM)

⁸. Arellano & Bond

⁹. Entrepreneurial Framework Conditions (EFCs)

¹⁰. Christian

¹¹. Theodotou

¹. Porter

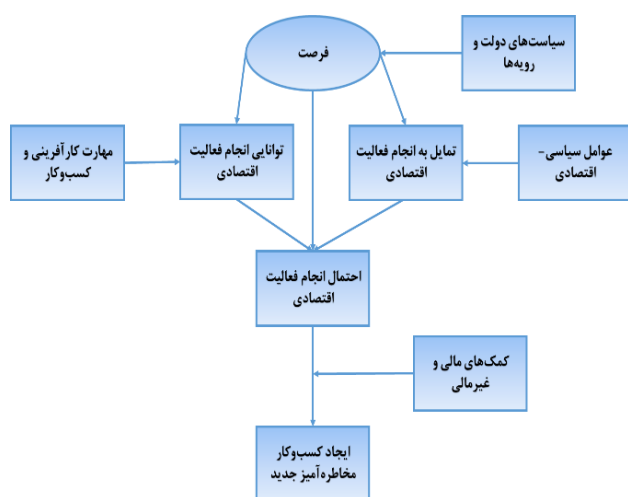
². Reynolds

³. Entrepreneurial intentions (IEA)

⁴. Total early-stage Entrepreneurial Activity (TEA)

⁵. Established Business Ownership (EST)

چارچوب این مدل بیانگر تأثیر عوامل محیط نهادی بر ایجاد کسب‌وکارهای جدید و نوآور در یک منطقه است. تأکید ویژه در این چارچوب بر نقش وضعیت محیطی بر توسعه فرصت‌ها و افزایش تمایل و قابلیت افراد به کارآفرینی است. این چارچوب دارای چهار بُعد است که این ابعاد شامل سیاست‌های دولت و رویه‌ها، وضعیت سیاسی-اقتصادی، مهارت‌های کسب‌وکار و کارآفرینی، مساعدت‌های مالی و غیرمالی می‌باشند. در این مدل اهمیت هر یک از ابعاد در راستای ایجاد محیط مساعد برای توسعه کارآفرینی نشان داده شده است. برای مثال اگر در محیطی فرصت‌های کارآفرینانه کم باشند، تمرکز باید بر روی بهبود وضعیت سیاست‌های کلان اقتصادی و رویه‌ها و همچنین توسعه نهادهای قانونی برای افزایش کارایی بخش‌های خصوصی موجود در محیط کسب‌وکار باشد. نمودار شماره (۱)، نشان دهنده عناصر سازنده این چارچوب است.



نمودار ۱. مدل اکوسیستم کارآفرینی نیاولی و فوگل

(۱۹۹۴)

ب) مدل آیزنبرگ (۲۰۱۱)
بنا به تحقیقات آیزنبرگ در سال ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱، کلید کارآفرینی پایدار در ترکیب ویژه‌ای از اجزاء اکوسیستم کارآفرینانه است. این اجزا بر فاکتورهای کلیدی موجود همانند نیروی انسانی، تأمین مالی و خدمات رسمی یا اداری (چارچوب تنظیمی و دولتی) و نهادهای غیررسمی (حمایت فرهنگی) و در نهایت دستیابی به مشتریان بازارهای محلی و خارجی تمرکز دارد. در نمودار شماره (۲)، مدل آیزنبرگ مشاهده می‌گردد.

عناصر- افراد، سازمان‌ها یا مؤسسات- خارج از فرد کارآفرین اشاره دارد که محرک یا مانع تصمیم فرد برای کارآفرین شدن یا احتمال موفقیت او در صورت راه‌اندازی کسب‌وکار کارآفرینانه است (فورفاس^{۱۲}، ۲۰۱۲).

اکوسیستم کارآفرینی شامل شبکه‌های کارآفرینان، رهبری، تأمین مالی، استعداد، دانش و خدمات پشتیبانی است. حضور این عناصر و تعامل بین آن‌ها عمدتاً موفقیت اکوسیستم را تعیین می‌کند (استام^{۱۳}، ۲۰۱۵). در تعریفی دیگر، کاکیه^{۱۴} و همکاران (۲۰۱۶) اکوسیستم کارآفرینانه را به‌عنوان یک "منطقه محدود ۳۰ مایلی (۵۰ کیلومتر) که توسط افراد، کسب‌وکار جدید آن‌ها و انواع مختلف سازمان‌های حمایت‌کننده تعریف می‌کنند که مانند یک سیستم پیچیده برای ایجاد یک بنگاه جدید و یا توسعه‌ی بنگاه‌های موجود باهم در تعامل‌اند." علاوه بر این، بنا به گفته تئودوراکي و مسگم^{۱۵} (۲۰۱۷)، اکوسیستم کارآفرینانه شامل سه بعد است: بازیگرانی که آن را تشکیل می‌دهند و تعاملات آن‌ها (شبکه رسمی و غیررسمی)، زیرساخت‌های فیزیکی، و فرهنگ. اکوسیستم کارآفرینانه همچنین شامل نهادهایی است که از کارآفرینان حمایت می‌کنند: آژانس‌های مالی دولتی یا خصوصی (بانک‌ها، حامیان کسب‌وکار، سرمایه‌گذاران، و غیره). نهادهای حمایتی (انکوباتورهای کسب‌وکار، مشاوران، و غیره)؛ سازمان‌های تحقیقاتی (مراکز تحقیقاتی، آزمایشگاه‌ها، و غیره)؛ و کنسرسیوم‌های کسب‌وکار (کسب‌وکار فعال، انجمن‌ها و اتحادیه‌های کارگری، و غیره).

در دهه‌های اخیر، مطالعات زیادی درباره اکوسیستم کارآفرینی انجام شده و مدل‌های جامعی در این زمینه طراحی شده است. در ادامه، سه مدل مختلف که توسط نیاولی و فوگل^{۱۶} (۱۹۹۴)؛ آیزنبرگ^{۱۷} (۲۰۱۱) و دیده‌بان جهانی کارآفرینی (۲۰۱۵) طراحی شده است را به‌طور مختصر مورد بحث قرار می‌دهیم.

الف) مدل نیاولی و فوگل (۱۹۹۴)

¹² Forfas

¹³ Stam

¹⁴ Cukier

¹⁵ Theodoraki & Messeghem

¹⁶ Gnyawali & Fogel

¹⁷ Isenberg

جدول ۱. هسته اصلی شرایط چارچوب کار آفرینی

GEM

۱	تأمین مالی کارآفرینان	قابلیت دسترسی منابع مالی برای بنگاه‌های کوچک و متوسط (یارانه و کمک مالی را نیز در بر می‌گیرد).
۲	A	سیاست‌های عمومی دولت
	b	قوانین و مالیات‌ها که یا اثر خنثی دارند یا مشوقی برای بنگاه‌های جدید و کوچک و متوسط به شمار می‌روند.
۳	برنامه‌های کارآفرینانه دولت	وجود برنامه‌هایی که در تمامی سطوح دولت (ملی، منطقه‌ای، شهرداری‌ها) مستقیماً به بنگاه‌های کوچک و متوسط کمک می‌نماید.
۴	a	آموزش کارآفرینانه در سطح پایه
	B	آموزش کارآفرینانه در سطح عالی
۵	انتقال تحقیق و توسعه	توسعه و تحقیقات ملی تا چه اندازه به فرصت‌های تجاری جدید تبدیل می‌شوند و در دسترس بنگاه‌های کوچک و متوسط قرار می‌گیرند
۶	زیرساخت تجاری و قانونی	وجود حقوق مالکیت، قوانین حسابداری، تجاری و مؤسساتی که از بنگاه‌های کوچک و متوسط حمایت می‌کنند و موجب ترفیع آن‌ها می‌شوند
۷	a	پویایی بازار
	b	باز بودن بازار
۸	زیرساخت‌های فیزیکی	سهولت دسترسی به منابع فیزیکی از جمله ارتباطات، خدمات آب و برق، حمل‌ونقل، زمین (در سطحی از قیمت که به بنگاه‌های کوچک و متوسط آسیب نمی‌زند)
۹	هنجارهای اجتماعی و فرهنگی	هنجارهای اجتماعی و فرهنگی تا چه حد فعالیت‌ها را به سمت روش‌های جدید کسب‌وکار و فعالیت‌های که به‌طور بالقوه درآمد و ثروت شخصی را افزایش می‌دهند، هدایت می‌کنند

(منبع: دیده‌بان جهانی کارآفرینی)



نمودار ۲. مدل اکوسیستم کارآفرینی آیزنبرگ (۲۰۱۱)

ج) مدل دیده‌بان جهانی کارآفرینی (۲۰۱۵)

اکوسیستم کارآفرینانه در برنامه دیده‌بان جهانی کارآفرینی، در قالب مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته و پرسشنامه‌های استاندارد سالانه از خبرگان کارآفرینی^{۱۸} در حوزه‌ی عوامل محیطی و زمینه‌ای در کشورهای عضو پروژه به دست می‌آید. انتظار می‌رود متغیرهای مربوط به شرایط چارچوب کارآفرینانه در کشورهای مختلف، متفاوت باشند. الزامات اساسی مانند ثبات اقتصاد کلان، نهادها، زیرساخت‌ها و تحصیلات ابتدایی شرایط زیربنایی هستند که برای عملکرد مناسب یک محیط کسب‌وکار خوب لازم می‌باشند. این الزامات معمولاً نقطه تمرکز تلاش‌ها برای توسعه در کشورهای منبع‌محور^{۱۹} محسوب می‌شوند. هنگامی که این عوامل به‌طور نسبی برقرار شدند و کشور به مرحله اقتصاد کارایی‌محور^{۲۰} گذار کرد، آنگاه تلاش‌های مالی و توسعه‌ای بر عوامل توسعه کارایی تمرکز می‌نماید. این عوامل شامل تحصیلات عالی و آموزش تخصصی، پویایی بازار، پیچیدگی بازارهای مالی و اندازه بازار می‌شود. پس از این مرحله، کشورها به سطح اقتصاد نوآوری‌محور^{۲۱} می‌رسند و بر عواملی متمرکز می‌شوند که نوآوری و کارآفرینی نوآورانه را تهییج می‌کند. در جدول (۱) مهم‌ترین عواملی که بر کارآفرینی در هر گروه از کشورها با توجه به سطوح توسعه‌یافتگی مختلف اثر معناداری دارند، نشان داده شده است.

این عوامل هسته اصلی شرایط چارچوب کارآفرینی را تشکیل می‌دهند (دیده‌بان جهانی کارآفرینی، ۲۰۱۵).

18 . The National Experts Survey (NES)

19 . Factor-Driven Economies

20 . Efficiency - Driven Economies

21 . Innovation-Driven Economies

۲-۱-۲- سیاست و حمایت دولت^{۲۶}

از آنجایی که دولت نقش مهمی در در وضع و تصویب قوانین کسب و کار ایفا می‌کند، سیاست‌های بخش دولت می‌تواند محدودیت‌های کارآفرینان را از طریق کاهش هزینه‌های فرصت برای کسب‌وکارهای جدید رفع نماید. به‌عبارت دیگر سیاست‌های دولت به نوبه خود منجر به شکل‌دهی محیط نهادی می‌شود که در آن تصمیمات کارآفرینانه اتخاذ می‌شود. بنابراین این سیاست‌ها برای توسعه کارآفرینی مهم است. از طرفی تلفیق سیاست و حمایت دولت، سیاست‌ها را به‌طور گسترده به سمت حمایت از فعالیت‌های متمرکز بر نوآوری سوق می‌دهد. در واقع، سیاست‌های کارآفرینی شامل اقداماتی است که با هدف تأثیر مستقیم بر افزایش سطح فعالیت‌های کارآفرینانه و پیامدهای آن برای جامعه در یک کشور یا منطقه به اجرا در می‌آید (استیونسون و لندستورم^{۲۷}، ۲۰۰۷). مدل GEM، کارآفرینی را در اولویت‌بندی عمومی برنامه‌های دولت‌ها در نظر می‌گیرد (لوی و اوتیو، ۲۰۰۸) و به همین صورت، افزایش کارایی بازار، فراهم کردن شرایط برای انگیزش کارآفرینان (لینشتاین^{۲۸}، ۱۹۶۸) و توسعه اقتصادی را در بر می‌گیرد (اکس و همکاران^{۲۹}، ۲۰۱۴).

فرضیه دوم: سیاست‌های دولت باعث تسهیل فرآیند کارآفرینی می‌شود.

۳-۱-۲- مالیات‌ها و سیاست دولت^{۳۰}

سیاست‌های دولت در قبال کارآفرینان برای ارائه کمک‌های مالی از طریق یارانه‌ها و وام‌های ترجیحی یا سیاست‌های مالی مساعد که آن را "محیط تنظیمی" برای کارآفرینی می‌نامند، فرصت‌های قابل دسترس را در کسب‌وکارهای موجود و کسب‌وکارهای جدید افزایش می‌دهد. یکی دیگر از ابزارهای مقرراتی مهم برای اجرای سیاست‌های دولتی، مالیات می‌باشد. مقررات، مالیات‌ها و قوانین بازار کار، از جمله موانع پیش‌روی فعالیت‌های ریسکی مانند کارآفرینی هستند (اکس و همکاران^{۳۱}، ۲۰۰۸). مقررات بازرگانی و تجاری که فرآیند سرمایه‌گذاری را طولانی می‌سازد می‌تواند باعث از دست-

در این پژوهش بر اساس مدل مفهومی GEM (رینولدز^{۲۲} و همکاران، ۲۰۰۵) اجزای شرایط چارچوب کارآفرینانه مدل اکوسیستم کسب‌وکار GEM و بررسی تأثیر این اجزا بر روند فعالیت‌های کارآفرینانه در مراحل مختلف توسعه‌یافتگی کشورها مورد بررسی قرار می‌گیرد. در ادامه توضیح مختصری از هرکدام از اجزای اکوسیستم و نحوه تأثیرگذاری آن‌ها بر روند فعالیت‌های کارآفرینانه توضیح داده می‌شود.

۱-۲- تأمین مالی کارآفرینان^{۲۳}

رشد فعالیت‌های کارآفرینانه در گرو طراحی شیوه‌های نوین تأمین مالی است. فقدان دسترسی مناسب کارآفرینان به منابع تأمین مالی، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین چالش‌های شروع کسب‌وکار تلقی می‌گردد. تأمین مالی مناسب یکی از مشکل‌ترین و پیچیده‌ترین عناصر در فرایند راه‌اندازی کسب‌وکارهای کارآفرینانه است که نقش بسیار مهمی را در راه‌اندازی و توسعه کسب‌وکارهای نوپای کارآفرینانه بر عهده دارد. "تأمین مالی" تنها عامل محیطی مؤثری است که شومپتر با تمرکز بر "دسترسی به اعتبارات بانکی" و "تأمین کنندگان خصوصی"، به صراحت به آن اشاره کرده است. از نظر شومپتر فعالیت‌های کارآفرینانه فراتر از فعالیت‌های عادی به تأمین مالی وابسته می‌باشد و "اعتبار مالی اصولاً لازمه ترکیبی جدید است" (شومپتر^{۲۴}، ۱۹۳۴:۷۰). منابع مالی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در تخصیص فعالیت‌های اقتصادی به سوی فعالیت‌های کارآفرینانه شناخته می‌شود. دسترسی به منابع مالی برای بنگاه‌های کوچک و متوسط بسیار مهم می‌باشد. بنا به گفته لوی^{۲۵} (۲۰۰۷)، هرچه میزان حمایت مالی برای کارآفرینان در کشور بیشتر باشد نرخ فعالیت‌های کارآفرینی در آن کشور بیشتر خواهد بود.

فرضیه اول: تأمین مالی دارای تأثیر مثبت بر فرآیند کارآفرینی می‌باشد.

²⁶ Government policy and support

²⁷ Stevenson & Lundström

²⁸ Leibenstein

²⁹ Acs

³⁰ Government policy and taxes

²² Reynolds

²³ Access to entrepreneurial financing

²⁴ Schumpeter

²⁵ Levie

فعالیت‌های کارآفرینانه را توسعه بخشد (کیوشینگ و نیلسن، ۲۰۰۴). چنین برنامه‌هایی هزینه‌های معاملاتی را برای سازمان‌ها و بنگاه‌ها به حداقل می‌رساند (شین و کابل^{۳۸}، ۲۰۰۲) و درعین‌حال، سرمایه انسانی صاحبان کسب‌وکار را افزایش می‌دهند (دلمار و شین^{۳۹}، ۲۰۰۶). با توجه به موارد فوق‌الذکر فرضیه زیر پیشنهاد می‌شود:

فرضیه چهارم: وجود برنامه‌هایی در تمام سطوح دولتی برای کسب‌وکارهای کوچک و متوسط باعث تسهیل فرآیند کارآفرینی می‌شود.

۲-۱-۵- آموزش کارآفرینی^{۴۰}

آموزش‌های کارآفرینی علاوه بر ایجاد انگیزش در افراد برای موفقیت و اقدام عمل جهت راه‌اندازی کسب‌وکار، به ایجاد و اشاعه فرهنگ کارآفرینی نیز کمک شایانی می‌کند. آموزش، با فراهم آوردن مهارت‌های کاربردی برای شروع کسب‌وکار، (دی‌تاین و چندلر^{۴۱}، ۲۰۰۷)، از طریق بهبود توانایی درک و تشخیص فرصت‌های کارآفرینی و از طریق تشویق فعالیت‌های ریسکی به‌عنوان یک گزینه شغلی، موجب افزایش تعداد کارآفرینان می‌شود (پترمن و کندی^{۴۲}، ۲۰۰۳). تحقیقات پیشین نشان می‌دهند که بین آموزش کارآفرینی و یا برنامه‌های کارآفرینی در دانشگاه‌ها و تشخیص فرصت‌های کارآفرینی و راه‌اندازی کسب‌وکار جدید، ارتباط مثبت وجود دارد (دلمار و دیویدسون، ۲۰۰۰)، انتظار بر این است کشورهایی که برنامه‌های آموزشی قوی‌تری برای حمایت از کارآفرینی دارند میزان بالاتری از مشارکت کارآفرینان را شاهد باشند. اشپیگل (۲۰۱۵) معتقد است دانشگاه‌ها به توسعه سرمایه‌ی انسانی یک منطقه کمک می‌کنند و به‌صورت هم‌زمان فضای ذهنی کارآفرینانه در دانشجویان را پرورش می‌دهند و آن‌ها را به راه‌اندازی کسب و کار مخاطره‌آمیز جدید یا کار در درون آن‌ها تشویق می‌کنند. علاوه بر این مطالعات زیادی در داخل کشور نیز بر اهمیت ارتباط صنعت و دانشگاه به عنوان راهکاری برای توسعه نوآوری و ایجاد کسب‌وکارهای فناورانه و نوآوری‌محور و توسعه کارآفرینی صحنه گذاشته‌اند (امیرپورسعید، ۱۳۹۷؛ احمدی، ۱۳۹۴؛

رفتار فرصت‌های کسب‌وکار کارآفرینان شود (مولینز و فورلانی^{۳۱}، ۲۰۰۷). سیاست‌های مالیاتی تناسبی و همچنین، بکارگیری صحیح سیاست‌های مالیاتی می‌تواند مشوق نوآوری و رشد بنگاه‌ها باشد (کوشینگ و نیلسون^{۳۲}، ۲۰۰۴). بااین‌حال، مطالعات زیادی نتیجه گرفته‌اند که مالیات‌ها، هزینه‌های مالی مستقیم بر سازمان‌ها تحمیل می‌کند و در نتیجه بر رابطه منفی که مالیات بر هزینه‌های مالی شرکت‌ها تحمیل می‌کند و رشد و سودآوری‌شان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، تمرکز کرده‌اند (هنریکسون و دیویدسون^{۳۳}، ۲۰۰۲؛ لوی و اوتیو، ۲۰۰۸؛ کوشینگ و نیلسون، ۲۰۰۴؛ بلاو^{۳۴}، ۱۹۸۷). اشپیگل^{۳۵} (۲۰۱۵) بر این باور است که سیاست‌های توسعه کارآفرینی دولت می‌تواند با توجه به درجه توسعه‌یافتگی کشورها می‌تواند نتایج متفاوتی داشته باشد. به‌عنوان مثال صمدی و میرهاشمی (۱۳۹۶) دریافتند که نرخ مالیات در کشورهای منبع محور و کارایی محور بر کارآفرینی اثر منفی و معنی‌داری داشته و در کشورهای نوآوری محور این اثر معنی‌دار نبوده است. در نتیجه فرضیه زیر پیشنهاد می‌شود:

فرضیه سوم: مالیات و بروکراسی دارای اثرات منفی بر فرآیند کارآفرینی می‌باشد.

۲-۱-۴- برنامه‌های دولت^{۳۶}

برنامه‌ها و سیاست‌های دولت به نوبه خود منجر به شکل‌دهی محیط نهادی می‌شود که در آن تصمیمات کارآفرینانه اتخاذ می‌شود. برنامه‌های دولت یا خدمات حرفه‌ای (به‌عنوان مثال حسابداران، بانکداران، وکلا و یا مشاوران کسب‌وکار) که ارائه‌دهنده خدمات و مشاوره حرفه‌ای هستند، می‌توانند ظرفیت‌های کارآفرینی را در میان اقتصادها افزایش دهند (کلاریس و برونیل^{۳۷}، ۲۰۰۷). دولت می‌تواند کارآفرینان را از طریق برنامه‌های آموزشی کسب‌وکار که یارانه، مواد و ملزومات و مشاوره حرفه‌ای را برای فعالیت‌های کارآفرینانه ارائه می‌دهند حمایت نماید و همچنین با هماهنگی و همکاری اتاق‌های بازرگانی یا از طریق انکوباتورهای تحت نظر دولت،

³⁸ . Shane & Cable

³⁹ . Delmar & Shane

⁴⁰ . Entrepreneurship education

⁴¹ DeTienne & Chandler

⁴² Peterman & Kennedy

³¹ . Mullins & Forlani

³² . Keuschnigg & Nielsen

³³ . Davidsson & Henrekson

³⁴ . Blau

³⁵ . Spigel

³⁶ . Government programs

³⁷ . Clarysse & Bruneel

فرضیه ششم: میزان تحقیق و توسعه‌ای که به فرصت‌های تجاری منتهی شده و در دسترس کسب‌وکارها قرار می‌گیرد باعث تسهیل روند کارآفرینی می‌شود.

۲-۱-۷- زیرساخت تجاری و حقوقی^{۴۴}

مطابق با تعریف دیده‌بان جهانی کارآفرینی، زیرساخت تجاری و قانونی درباره وجود قانون حقوق مالکیت، خدمات تجاری، حسابداری، ارزیابی و قانونی و نهادهایی است که از شرکت‌ها حمایت کرده یا آنها را ارتقا می‌دهند. در دسترس بودن خدمات کسب و کاری خوب به کارآفرین اجازه می‌دهد بر فرایندهای اصلی کسب و کاری تمرکز کرده و تبعاً به کارایی و بهره‌تخصصی حاصل از فرایندهای اصلی کسب و کاری دست یابند (لووی، ۲۰۰۷). فقدان خدمات حقوقی می‌تواند مانعی برای فعالیت‌های کارآفرینانه باشد (برنر^{۴۵}، ۱۹۹۲). به همین ترتیب، سیستم‌های حقوقی با قوانین ورشکستگی کمتر پیچیده و شفاف‌تر، بر میزان فعالیت‌های کارآفرینانه در سطح ملی تأثیر مثبت می‌گذارند. با توجه به موارد گفته‌شده فرضیه زیر پیشنهاد می‌شود:

فرضیه هفتم: دسترسی به زیرساخت‌های تجاری و قانونی باعث تسهیل فرآیند کارآفرینی می‌شود.

۲-۱-۸- پویایی بازار داخلی^{۴۶}

ورود به بازار در مدل دیده‌بان جهانی کارآفرینی به عنوان عامل برونزا ساختار بازار مورد توجه قرار گرفته که شامل دو بخش "پویایی بازار" که بر سرعت تغییرات بازار تمرکز داشته و "باز بودن بازار" که مرتبط با آسانی ورود به عرصه کسب و کاری است.

پویایی بازار و ساختار صنعت عوامل محرک فعالیت‌های کارآفرینانه هستند. ورود شرکت‌های جدید عامل محرک مهمی برای پویایی بازار ایجاد می‌کند، ولی پویایی بازار به خودی خود نیز فرصت‌هایی برای ورود کارآفرینان ایجاد می‌کند. بدین ترتیب رابط‌های دوطرفه بین ورود شرکت‌های جدید و پویایی بازار وجود دارد پویایی بازار بر رشد اقتصاد کلان در بلندمدت تأثیر می‌گذارد (کلپپر و اسلیپر^{۴۷}، ۲۰۰۵). پویایی بازار به‌ویژه در بخش‌هایی که دارای فناوری پیشرفته هستند چشمگیر است. بخش‌هایی که

شیری، ۱۳۹۴؛ شفیع و همکاران، ۱۳۹۱). بنابراین فرضیه زیر پیشنهاد می‌شود:

فرضیه پنجم: آموزش کارآفرینی می‌تواند باعث افزایش کارآفرینی شود.

۲-۱-۶- انتقال تحقیق و توسعه^{۴۳}

تحقیق و توسعه، کار خلاقانه‌ای است که در یک چارچوب سیستماتیک سامان می‌یابد تا به دانش موجود در زمینه انسان، فرهنگ و جامعه بیفزاید و برای این دانش، کاربردهای تازه‌ای را ایجاد کند. دانش جدید غالباً در مؤسسات پژوهشی و یا شرکت‌های بزرگ ایجاد می‌شود. دانش موجود و نتایج پژوهش‌ها برای ایفای نقش در اقتصاد نیازمند تبدیل شدن به دانش اقتصادی مفید هستند و ابداعات و ابتکارات می‌بایست به نوآوری تبدیل شوند. این فرآیند تبدیل می‌تواند هم توسط شرکت‌های تثبیت شده و هم از طریق شرکت‌های کارآفرین نوآور انجام شود (آکس و همکاران، ۲۰۰۶).

تئوری کارآفرینی سرریز دانش بیانگر آن است که فعالیت‌های کارآفرینانه به سرمایه‌گذاری در دانش دیگر بنگاه‌ها واکنش نشان می‌دهد و به‌این‌ترتیب برای کارآفرینان فرصت ایجاد می‌کند (آکس و همکاران، ۲۰۰۸). بر پایه این تئوری، در مدل دیده‌بان جهانی کارآفرینی فرض بر این است که کشورهایی که انتقال دانش توسط فرآیندهای تحقیق و توسعه از آزمایشگاه‌ها به کسب‌وکارها و استارت‌آپ‌ها و کارآفرینان نسبتاً سریع و ارزان می‌باشد، کسب‌وکارها نوآور بیشتری خواهند داشت. لذا هر چه دسترسی به فناوری‌های جدید برای افراد در کشور بیشتر باشد، میزان فعالیت کارآفرینی و خصوصاً کارآفرینی نوآورانه بیشتر خواهد شد. بر این اساس، در اقتصادهایی که در آن انتقال دانش از صاحبان کسب‌وکار به کارآفرینان سریع‌تر و ارزان‌تر است، در مقایسه با کشورهایی که این روند آهسته و پرهزینه‌تر است، نرخ فعالیت‌های کارآفرینانه بالاتری دارند. علاوه-براین، در کشورهایی که زیرساخت‌ها و شبکه روابط بین بنگاه‌ها، دانشگاه‌ها و دولت وجود دارد، انتشار سریع‌تر اطلاعات و دانش و گسترش نوآوری‌های علمی و تکنولوژیک را بدنبال خواهد داشت (نقوی و فلاح، ۱۳۹۲).

لذا فرضیه زیر پیشنهاد می‌شود:

⁴⁴ Commercial and legal infrastructure

⁴⁵ Brenner

⁴⁶ Internal market dynamics

⁴⁷ Klepper & Sleeper

⁴³ R&D transfer

کارآفرینی را تسهیل می‌کند. درحالی‌که دسترسی به زیرساخت‌های فیزیکی ممکن است در اقتصادهای مبتنی بر نوآوری بی‌اهمیت باشد، در اقتصادهای مبتنی بر منابع (منبع محور)، یک مانع عمده برای راه‌اندازی یک کسب و کار جدید محسوب می‌شود (غنی و همکاران^{۴۴}، ۲۰۱۴). اودرچ و همکاران^{۴۵} (۲۰۱۵) نشان می‌دهند که کارآفرینی ممکن است با نوع خاصی از زیرساخت‌ها مانند پهنای باند در ارتباط باشد، درحالی‌که با سایر اشکال زیرساخت‌ها مانند بزرگراه‌ها و راه‌آهن‌ها در ارتباط نباشد. لذا فرضیه زیر پیشنهاد می‌شود:

فرضیه دهم: سهولت دسترسی به منابع فیزیکی و خدماتی باعث تسهیل روند کارآفرینی می‌شود.

۲-۱-۱۱- هنجارهای اجتماعی و فرهنگی^{۴۶}

در بین عوامل تقویت یا تضعیف‌کننده کارآفرینی، فرهنگ عامل بسیار مهمی تلقی می‌شود. ارزش‌ها و هنجارهای جامعه تا حد بسیار زیادی توسعه کارآفرینی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین، نوع نگرش‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای موجود، فرهنگ را تعیین می‌کند و چگونگی رشد و پیشرفت نوآوری را فرهنگ را رقم می‌زند. دو ویژگی اصلی از ویژگی‌های فرهنگ اکوسیستم کارآفرینانه عبارت‌اند از نگرش‌های فرهنگی و تاریخی‌های کارآفرینی در یک فرهنگ (اشپگل، ۲۰۱۵). به نظر می‌رسد، در جامعه‌ای که ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی در سطح بالایی قرار داشته و افراد متعهد به رعایت آن‌ها هستند، اعتماد وجود داشته و تمایل به درگیر شدن در رفتار فرصت‌طلبانه و رانتهی محدود است.

لازم است که بین معیارهای فرهنگ ملی یا ارزش‌های جهانی در مقابل نگرش‌های خاص به کارآفرینی یا اعتقادات مربوط به کارآفرینی تفاوت قائل شد (لوی و اوتیو، ۲۰۰۸). منزلت اجتماعی برای کارآفرینی (با توجه به نگرش‌ها در مورد افرادی که ثروت شخصی خود را از طریق فعالیت کارآفرینی کسب کرده‌اند) و همچنین تبلیغات مثبت و رسانه‌ای در مورد این موضوع، می‌تواند بر برداشت فرد از مطلوبیت اجتماعی و تمایل به شرکت در کارآفرینی تأثیر بگذارد (رینولدز ۲۰۱۱). با توجه به موارد فوق‌الذکر فرضیه زیر پیشنهاد می‌شود:

دارای فناوری پیشرفته هستند به علت کوتاه‌تر شدن چرخه‌ی عمر محصولات و خدمات که اغلب به دلیل نوسانات ناشی از معرفی محصولات و خدمات جدید است، بی‌ثبات‌تر هستند (رونویچ و آردین^{۴۸}، ۲۰۱۳). در کشورهایی که پویایی بازار به سرعت در حال تغییر است، انتظار می‌رود میزان بالایی از فعالیت‌های کارآفرینانه وجود داشته باشد. در نتیجه فرضیه زیر پیشنهاد می‌شود: فرضیه هشتم: تغییرات چشمگیر در فرصت‌های بازار، باعث بهبود فعالیت‌های کارآفرینی است.

۲-۱-۹- گنجایش بازار داخلی^{۴۹}

گنجایش بازار داخلی (باز بودن بازار داخلی) سهولت ورود به بازار را در بر می‌گیرد. یافته‌ها درباره‌ی گنجایش بازار مبهم هستند و به نتیجه واحدی نرسیده‌اند. تحقیقات نشان می‌دهد که ارتباط بین موانع ورود به بازار با فعالیت کارآفرینانه در کلیه اقتصادها منفی است (سویل و همکاران، ۲۰۰۷). باوجوداین، نتایج تعدادی از مطالعات نشان داده است که موانع ورود بر توزیع فعالیت تجاری بین اقتصاد رسمی و غیررسمی تأثیر می‌گذارد، نه بر حجم کل فعالیت در سطح ملی (ون استل و همکاران^{۵۰}، ۲۰۰۷). در سایر مطالعات، موانع ورودی به‌جای حجم کل فعالیت در سطح ملی بر توزیع فعالیت تجاری بین اقتصاد رسمی و غیررسمی تأثیر می‌گذارد (ون استل و همکاران، ۲۰۰۷). نرخ بالای کارآفرینی در یک اقتصاد، به احتمال زیاد، دارای تأثیر مثبت بر ورود به بازار جدید است (سالیمات و کولن^{۵۱}، ۲۰۱۰). بنابراین فرضیه زیر پیشنهاد می‌شود:

فرضیه نهم: میزان آزادی شرکت‌های جدید در ورود به بازارهای موجود باعث افزایش کارآفرینی می‌شود.

۲-۱-۱۰- دسترسی به زیرساخت‌های فیزیکی^{۵۲}

زیرساخت‌های فیزیکی (حمل‌ونقل، زمین یا فضای عملیاتی، خدمات ارتباطات و غیره) برای کارآفرینی حیاتی است (ون دی ون^{۵۳}، ۱۹۹۳). دسترسی به زیرساخت‌های فیزیکی، با سرعت بخشیدن به دسترسی به منابع (دفتر کار، تجهیزات، حمل‌ونقل، مخابرات و خدمات عمومی)،

⁴⁸ . Runiewicz-Wardyn

⁴⁹ . Internal market burdens

⁵⁰ . Van Stel

⁵¹ . Salimath & Cullen

⁵² . Access to physical infrastructure

⁵³ . Van de Ven

⁵⁴ . Ghani

⁵⁵ . Audretsch

⁵⁶ . Social and cultural norms

درصد رشد ۹۸ نسبت به ۹۷	سال ۱۳۹۸	درصد رشد ۹۷ نسبت به ۹۶	سال ۱۳۹۷	سال ۱۳۹۶	شرایط/چارچوب ب کارآفرینانه
-۰/۶۵	۳/۲۶	-۵/۳۸	۳/۸۲	۹/۲	دسترسی به تأمین مالی کارآفرینانه
-۰/۷۶	۳/۰۷	-۳/۴۷	۳/۸۳	۷/۳	سیاست‌های دولت: حمایتی و ارتباطی
۰/۳۱	۳/۲۴	۰/۹۳	۲/۹۳	۲	سیاست‌های دولت: مالیات و بروکراسی
۰/۱۸	۳/۰۹	۱/۷۱	۲/۹۱	۱/۲	برنامه‌های کارآفرینی دولت
۰	۲/۸۹	۱/۵۹	۲/۸۹	۱/۳	آموزش کارآفرینی در دوران مدرسه
-۰/۵۰	۳/۲۶	-۴/۵۴	۳/۷۶	۸/۳	آموزش کارآفرینی بعد از دوران مدرسه
-۰/۱۹	۳/۱۱	-۲/۹	۳/۳۰	۶/۲	انتقال تحقیق و توسعه
-۰/۶۷	۲/۹۸	-۵/۵۴	۳/۵۶	۹/۱	زیرساخت‌های قانونی و تجاری
-۲/۲۱	۳/۵۰	۰/۲۹	۵/۷۱	۶	زیرساخت‌های فیزیکی
-۲/۶۲	۳/۰۴	۰/۷۴	۵/۶۶	۶/۴	پویایی‌های بازار داخلی
-۰/۵۵	۳/۳۲	۱/۷۷	۳/۸۷	۲/۱	سختی ورود به بازار داخلی یا مقررات ورود
-۱/۱۷	۳/۰۱	۱/۷۸	۴/۱۸	۲/۴	هنجارهای اجتماعی و فرهنگی

فرضیه یازدهم: هنجارهای اجتماعی و فرهنگی می‌توانند سبب بهبود فرآیند کارآفرینی شوند.

۳- اکوسیستم کارآفرینی در ایران

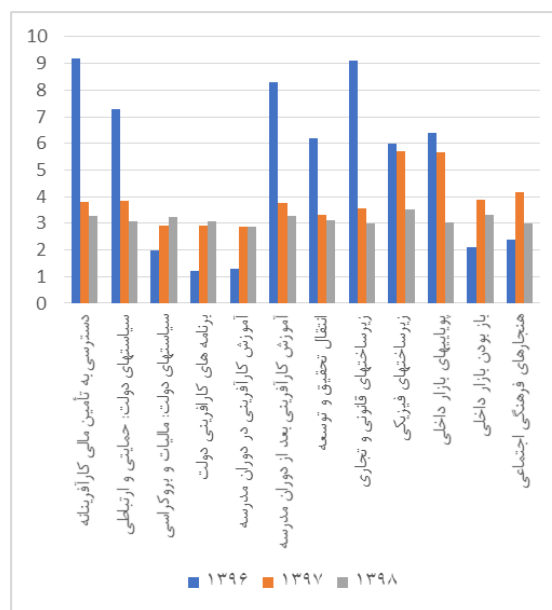
کارآفرینی در خلأ رخ نمی‌دهد بلکه فعالیت‌های کارآفرینانه متأثر از اکوسیستم کارآفرینی و کسب و کار در جامعه هستند. در واقع عوامل محیطی مانند عوامل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در خلق کسب و کار جدید و محیط کارآفرینانه، نقش کلیدی دارند. سالانه، همه کشورهای شرکت‌کننده در برنامه دیده‌بان جهانی کارآفرینی حداقل با ۳۶ خبره کارآفرینی و یا کارآفرینان خبره مصاحبه می‌کنند. نظرسنجی از خبرگان ملی کارآفرینی (مانند دیگر مطالعات برای ارزشیابی شرایط خاص ملی در نظر گرفته می‌شود). اما نظرسنجی از خبرگان ملی تنها بر ویژگی‌هایی از محیط تمرکز می‌کند که اثر معنی‌داری بر رویکردها و فعالیت‌های کارآفرینانه دارند. بر این اساس از خبرگان کارآفرینی و کارآفرینان خبره خواسته می‌شود دیدگاه خود را درباره مهمترین شرایطی که می‌تواند بر تسهیل (یا بازدارندگی) فعالیت کارآفرینانه و توسعه کشور اثر بگذارد را بیان نمایند. نظرسنجی از خبرگان کارآفرینی با استفاده از مقیاس لیکرت ۷ گزینه‌ای صورت می‌گیرد.

براساس مدل دیده‌بان جهانی کارآفرینی، ۱۲ شاخص، شرایط چارچوب یا اکوسیستم کارآفرینانه کشورها را نشان می‌دهد. ارزیابی اکوسیستم کارآفرینی ایران بیانگر اهتمام جدی برای توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه است (زالی و فقیه^{۵۷}، ۲۰۱۸). براساس گزارش دیده‌بان جهانی کارآفرینی (۲۰۱۹)، مقایسه اکوسیستم کارآفرینی ایران با متوسط اقتصادهای سه‌گانه منطقه، نشان می‌دهد وضعیت کشور در دو عامل زیرساخت‌های فیزیکی و پویایی‌های بازار داخلی مطلوب بوده و همچنین بر اساس جدول ۲، بیشترین رشد در سال ۹۸ (نسبت به ۹۷) مربوط به سیاست‌های دولت (عوارض و بروکراسی) است. سیاست‌های دولت در زمینه توسعه کارآفرینی با ۳۱ درصد رشد نیز در رتبه دوم این افزایش قرار دارد.

جدول ۲. مقایسه اکوسیستم کارآفرینانه بین سال‌های

۱۳۹۶ تا ۱۳۹۸

آموزش کارآفرینی بعد از دوران مدرسه	۴/۳۶	۴/۷۹	۴/۸۵	۴/۶۶	۳/۷۶
انتقال تحقیق و توسعه	۳/۴۵	۳/۴۸	۴/۲۸	۳/۷۴	۳/۳۰
زیرساخت‌های قانونی و تجاری	۴/۷۸	۴/۶۱	۵/۰۷	۴/۸۲	۳/۵۶
زیرساخت‌های فیزیکی	۵/۵۴	۶/۱۰	۶/۶۳	۶/۰۹	۵/۷۱
پویایی‌های بازار داخلی	۵/۶۴	۵/۳۵	۵/۰۵	۵/۳۵	۵/۶۶
سختی ورود به بازار داخلی یا مقررات ورود	۳/۹۲	۳/۹۱	۴/۴۶	۴/۱۰	۳/۸۷
هنگارهای اجتماعی و فرهنگی	۴/۵۴	۵/۰۷	۴/۸۴	۴/۸۲	۴/۱۸



نمودار ۳. مقایسه اکوسیستم کارآفرینانه در ایران بین سال‌های ۹۶، ۹۷ و ۹۸

با توجه به آمار گزارش شده در جدول ۳، از آنجایی که به این که ایران در گروه درآمدی متوسط قرار دارد، مقایسه در این گروه نشان می‌دهد که کشورمان تنها در شاخص پویایی‌های بازار داخلی از میانگین گروه درآمدی متوسط بالاتر است (GEM، ۲۰۱۸).

جدول ۳. شاخص‌های اکوسیستم کارآفرینی در سه سطح درآمد ملی کشورها (گزارش ۲۰۱۸)

شرایط چارچوب کارآفرینانه	درآمد ملی	متوسط	بالا	میانگین جهانی	ایران
دسترسی به تأمین مالی کارآفرینانه	۳/۸۲	۴/۱۲	۴/۵۵	۴/۱۶	۳/۸۲
سیاست‌های دولت: حمایتی و ارتباطی	۳/۹۴	۳/۹۷	۴/۵۷	۴/۱۶	۳/۸۳
سیاست‌های دولت: مالیات و بروکراسی	۳/۷۱	۳/۶۲	۴/۰۴	۳/۷۹	۲/۹۳
برنامه‌های کارآفرینی دولت	۳/۷۲	۴/۰۷	۴/۸۲	۴/۲۱	۲/۹۱
آموزش کارآفرینی در دوران مدرسه	۲/۹۵	۳/۰۵	۳/۲۷	۳/۰۹	۲/۸۹

نمودار ۴، مقایسه اکوسیستم کارآفرینانه ایران با کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا^{۵۸} (MENA) نشان داده است که شاخص‌های اکوسیستم کارآفرینانه در ایران قریب به اتفاق کمتر از متوسط شاخص‌های اکوسیستم کارآفرینی در ۱۰ کشور عضو MENA شرکت‌کننده در گزارش GEM سال ۲۰۱۹ است.



نمودار ۴. مقایسه اکوسیستم کارآفرینی در ایران با کشورهای منطقه MENA

سیاست‌های دولت ایران برای تشویق مشاغل دانش بنیان بسیار موثر بوده است. با این حال، سیاست‌های دولت در رابطه با مالیات، به‌ویژه سیاست‌های مالیات بر ارزش افزوده، بر کارآفرینی تأثیر منفی گذاشته است، به‌طوری که کسب‌وکارهای کوچک و متوسط به‌ویژه تحت تأثیر قرار گرفته‌اند. با توجه به نتایج نظرسنجی GEM ایران در

⁵⁸ Middle East and North Africa (MENA)

تجاری و حقوقی، پویایی بازار داخلی، گنجایش بازار داخلی، زیرساخت‌های فیزیکی و خدماتی و هنجارهای اجتماعی و فرهنگی. متغیر Z بیانگر متغیرهای کنترل شامل تولید ناخالص داخلی، رشد تولید ناخالص داخلی سرانه، زمان لازم برای شروع کسب‌وکار و نرخ بیکاری است. آمارهای مربوط به اجزاء EFC از سایت دیده‌بان جهانی کارآفرینی استخراج شده است و متغیرهای کنترل برای تمامی کشورها از سایت بانک جهانی استخراج شده‌اند. الگوی اقتصادسنجی (۱) برای سه گروه از کشورهای منتخب منبع‌محور، کارایی‌محور و نوآوری‌محور و بر اساس تقسیم‌بندی دیده‌بان جهانی کارآفرینی در سال ۲۰۱۷، برآورد شده است. در جدول (۴)، نمونه کشورهای مورد بررسی در مطالعه حاضر گزارش شده است.

جدول ۴. لیست کشورها بر اساس تقسیم‌بندی GEM

کشورهای نوآوری‌محور	کشورهای کارایی‌محور	کشورهای منبع‌محور
استرالیا، اتریش، بلژیک، کانادا، چین، کرواسی، جمهوری چک، دانمارک، استونی، فنلاند، فرانسه، آلمان، یونان، هنگ‌کنگ، مجارستان، ایسلند، ایرلند، اسرائیل، ایتالیا، ژاپن، لیتوانی، مالزی، کره، جنوبی، هلند، نروژ، لهستان، پرتقال، قطر، سنگاپور، اسلواکی، اسلوانی، اسپانیا، سوئد، سوئیس، ترکیه، امارات، انگلیس، آمریکا	الجزیره، آرژانتین، بوسنی، برزیل، بلغارستان، شیلی، کلمبیا، کاستاریکا، قبرس، دومینیک، اکوادور، مصر، السالوادور، گرجستان، اندونزی، هند، ایران، جامائیکا، لتونی، لوکزامبورگ، مقدونیه، مکزیک، مونتنگرو، پاناما، پرو، فیلیپین، پورتوریکو، روسیه، عربستان، صربستان، آفریقای جنوبی، تایوان، اروگوئه، تایلند	آنگولا، بنگلادش، باربادوس، بلیز، بولیوی، بوتسوانا، بورکینافاسو، کامرون، اتیوپی، گواتمالا، غنا، اردن، قزاقستان، کوزوو، لبنان، لیبی، ماداگاسکار، مالاوی، مراکش، نامیبیا، نیجریه، فلسطین، پاکستان، سنگال، سورینام، سوریه، تونگو، ترینیداد و توباگو، تونس، وانواتو، ونزوئلا، ویتنام، اوگاندا، زامبیا

۵- یافته‌های پژوهش

۱-۵- نتایج آزمون ریشه واحد

سال ۲۰۱۹، پرواضح است که کسب‌وکارهای دانش بنیان و مراکز نوآوری باید در دانشگاه‌های کشور توسعه یابد. بر اساس گزارش اخیر در مورد اهداف توسعه پایدار سازمان ملل (SDGs)، بخش کارآفرینی اجتماعی ایران بهبود یافته است، به خصوص در مورد کارآفرینی سبز در جهت دستیابی به هدف تولید و مصرف مسئولانه. در سال‌های اخیر تعداد استارت‌آپ‌های ایرانی مشارکت کننده در SDG سازمان ملل افزایش یافته است که نمونه‌های آن استارت‌آپ‌های گردشگری پایدار است. اخیراً، تمرکز دولت ایران بر توسعه مشاغل دانش بنیان و نوآورانه بوده است. با اطلاع از نتایج نظرسنجی GEM ایران، معاونت علمی و فناوری جمهوری اسلامی ایران معافیت‌های مالیاتی را برای مشاغل دانش بنیان و مبتکر تا ۱۵ سال پیشنهاد کرده است. علاوه بر این، براساس توصیه و پیشنهادات تیم GEM ایران، وزارت آموزش و پرورش برنامه‌های آموزش کارآفرینی جوانان را با جامعه هدف دانش‌آموزان دبستان و دبیرستان ارائه داده است.

۴- روش‌شناسی

داده‌های موجود در پژوهش حاضر به دوره زمانی کوتاه و تعداد مقاطع زیاد دارای تورش درون‌زایی متغیرهای توضیحی است که داده‌های تابلویی قادر به حل این مشکل نیستند. از آنجایی که داده‌ها در پژوهش حاضر دارای ساختار پانل پویا نامتوازن است؛ از این رو امکان درون‌زایی و ناهمگن بودن غیرقابل مشاهده داده‌ها با استفاده از برآوردگرهای روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) ارائه شده توسط (آرلانو^{۵۹}، ۲۰۰۳) کنترل می‌شود. در پژوهش حاضر با بهره‌گیری از مطالعه هشواربا و اینگرام^{۶۰} (۲۰۱۸)، به بررسی اثر اجزاء مختلف شرایط چارچوب کارآفرینانه (اکوسیستم کارآفرینی) بر سطح فعالیت‌های کارآفرینانه، برای کشورهای عضو دیده‌بان جهانی کارآفرینی، طی دوره زمانی ۲۰۱۷-۲۰۰۸ پرداخته می‌شود. الگوی اقتصادسنجی مورد استفاده در این پژوهش، روش GMM با استفاده از نرم‌افزار STATA 14 می‌باشد. تابع تولید بکار گرفته شده در این تحقیق به صورت زیر تصریح می‌شود:

$$E = F(EFCs, Z) \quad (1)$$

که در آن، E متغیر وابسته و بیانگر مراحل مختلف کارآفرینی شامل انگیزه کارآفرینی، کارآفرینی نوپا و کارآفرینی تثبیت شده می‌باشد. EFCs بیانگر اجزاء ۱۲ گانه اکوسیستم کارآفرینانه است که عبارتند از: تأمین مالی کارآفرینان، سیاست‌های دولت، مالیات و بروکراسی، برنامه‌های دولت، تحصیلات پایه‌ای کارآفرینی، تحصیلات دانشگاهی کارآفرینی، انتقال تحقیق و توسعه، زیرساخت

⁵⁹ Arellano

⁶⁰ Hechavarría & Ingram

به منظور بررسی پایایی متغیرها، از آزمون ریشه واحد جدول ۵. نتایج آزمون ریشه واحد پانلی فیشر - فیلیپس پرون (PP-Fisher) و فیشر - دیکی

متغیر	نوع آزمون	ضریب	نتیجه	متغیر	ضریب	نتیجه
محیط مالی	آماره آزمون ADF	۳۴۵,۵۹	پایا	پویایی بازار داخلی	۳۲۱,۳۷	پایا
	آماره آزمون PP	۶۵۰,۵۳	پایا		۲۵۰,۱۲	پایا
سیاست‌های دولت	آماره آزمون ADF	۲۱۸,۷۳	پایا	گنجایش بازار داخلی	۴۳۸,۲۲	پایا
	آماره آزمون PP	۲۰۴,۳۲	پایا		۲۴۴,۹۸	پایا
مالیات و بروکراسی	آماره آزمون ADF	۲۲۱,۹۸	پایا	زیرساخت‌های فیزیکی و خدماتی	۲۷۶,۲۲	پایا
	آماره آزمون PP	۵۰۳,۱۲	پایا		۳۱۳,۴۸	پایا
برنامه‌های دولت	آماره آزمون ADF	۲۸۷,۱۶	پایا	هنجارهای اجتماعی و فرهنگی	۲۳۹,۱۳	پایا
	آماره آزمون PP	۳۳۹,۷۳	پایا		۳۱۹,۲۷	پایا
تحصیلات پایه‌ای کارآفرینی	آماره آزمون ADF	۱۸۳,۶۲	پایا	تولید ناخالص داخلی	۲۶۳,۴۴	پایا
	آماره آزمون PP	۳۱۲,۶۴	پایا		۳۷۶,۲۱	پایا
تحصیلات دانشگاهی	آماره آزمون ADF	۴۲۳,۵۱	پایا	رشد تولید ناخالص داخلی	۴۵۶,۱۷	پایا
	آماره آزمون PP	۵۰۳,۸۵	پایا		۴۰۸,۸۱	پایا
انتقال تحقیق و توسعه	آماره آزمون ADF	۳۳۴,۵۹	پایا	سهولت کسب و کار	۲۸۵,۵۱	پایا
	آماره آزمون PP	۲۲۹,۳۲	پایا		۱۸۷,۳۱	پایا
زیرساخت تجاری و حقوقی	آماره آزمون ADF	۱۸۵,۹۲	پایا	نرخ بیکاری	۱۴۵,۱۲	پایا
	آماره آزمون PP	۲۲۸,۳۱	پایا		۵۰۳,۲۸	پایا

منبع: یافته‌های تحقیق

آزمون همبستگی استفاده شده است که نتایج آن در جدول (۶) گزارش شده است.

پس از اطمینان از پایایی متغیرها و در ادامه، قبل از تخمین ارتباط پویای بین متغیرهای مدل، به منظور بررسی وجود هم‌خطی بین متغیرهای مدل از آزمون

جدول ۶. ضریب همبستگی بین متغیرهای مدل

فولر تعمیم یافته (ADF-Fisher) استفاده شده است. نتایج آزمون ریشه واحد در جدول (۵) گزارش شده است. با توجه به نتایج، فرضیه وجود ریشه واحد در متغیرها منتفی است و از این رو همه متغیرها در سطح پایا هستند.

Chi2	۰,۰۸۴
Prob > chi2	۰,۸۸۶

منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به نتایج جدول (۷)، فرضیه صفر مبنی بر اعتبار متغیرهای ابزاری مورد استفاده در مدل رد نمی‌شود. بنابراین، ابزارهای استفاده‌شده در مدل معتبر بوده و مدل صحیح می‌باشد.

۵-۲- نتایج و بحث

در جدول (۸) نتایج برآورد مدل برای تأثیرگذاری اکوسیستم کارآفرینانه بر مراحل کارآفرینی در کشورهای منبع محور گزارش شده است.

جدول ۸. نتایج برآورد مدل برای کشورهای منبع محور

متغیر	کارآفرینانه انگیزه	کارآفرینی نوپا	کارآفرینی تثبیت شده
	ضرایب	ضرایب	ضرایب
محیط مالی	-۰,۴۲۸ (-۰,۱۰)	-۹,۹۱۸۷ (-۲,۲۹)	-۶,۷۴۱ (-۲,۹۴)
سیاست‌های دولت	-۶,۷۵۴ (-۱,۶۶)	-۲,۰۸۲ (-۰,۴۷)	۳,۶۷۲ (۱,۰۶۶)
مالیات و بروکراسی	۴,۲۳۱ (۱,۰۸)	-۸,۸۷۵۱ (-۰,۲۰)	۲,۸۷ (-۱,۳۶)
برنامه‌های دولت	-۶,۸۲۰ (-۰,۹۱)	۳,۷۱۱۷ (۰,۴۶)	۱,۶۹۸ (۰,۴۴)
تحصیلات پایه‌ای کارآفرینی	۱۹,۸۲۱ (۴,۰۴)	۱۰,۳۰۶۶ (۲,۰۴)	۸,۵۱۹ (۳,۰۴)
تحصیلات دانشگاهی کارآفرینی	۳,۰۴۳ (۰,۵۳)	۱,۶۹۰۳ (۰,۲۹)	۱,۲۵۷ (۰,۳۸)
انتقال تحقیق و توسعه	-۳۶,۹۵۹ (-۵,۰۲)	-۷,۱۷۶۳ (-۰,۹۷)	-۲,۶۸۲ (-۰,۷۳)
زیرساخت تجاری و حقوقی	-۱۰,۰۰۱ (-۱,۲۷)	-۳,۴۳۳۸ (-۰,۳۶)	۸,۲۷۱ (۱,۹۷)
پویایی بازار داخلی	۱۰,۷۲۳ (۳,۳۳)	۲,۶۹۲۱ (۰,۸۵)	۹,۶۵۹ (۵,۱۲)
گنجایش بازار داخلی	-۷,۲۰۴ (-۱,۴۵)	-۱۱,۴۵۶۷ (-۲,۲۰)	-۶,۷۲ (-۲,۴۹)
زیرساخت‌های فیزیکی و خدماتی	۳,۸۷۴ (۱,۴۵)	-۱,۴۴۶۱ (-۰,۴۴)	-۳,۷۱۴ (-۲,۶۴)

urrlate tea ei ebo gsp foe tb gp bsee psee
s=468)

	tea	ei	ebo	gsp	foe	tb	gp	bsee	psee
tea	1.0000								
ei	0.3069	1.0000							
ebo	0.2522	0.3071	1.0000						
gsp	-0.1413	-0.0892	-0.0783	1.0000					
foe	-0.3199	-0.3068	-0.1602	0.3368	1.0000				
tb	-0.1173	-0.1509	-0.0749	0.2301	0.3375	1.0000			
gp	-0.2454	-0.2656	-0.1919	0.3791	0.2135	0.3710	1.0000		
bsee	-0.0390	-0.1063	-0.0093	0.3647	0.2559	0.3087	0.2917	1.0000	
psee	0.1505	0.0729	0.0609	0.2850	0.2530	0.3132	0.3159	0.3305	1.0000
rd	-0.4221	-0.4633	-0.1891	0.3154	0.4142	0.4362	0.4477	0.4183	0.4010
cpi	-0.2970	-0.3503	-0.0916	0.2614	0.3261	0.3125	0.3952	0.4119	0.4109
imd	-0.1368	-0.0471	0.1233	0.1999	0.2131	-0.0253	-0.0772	0.1094	-0.1456
imo	-0.1276	-0.2436	-0.0539	0.4422	0.4239	0.4606	0.4053	0.4059	0.4019
psi	-0.3613	-0.4078	-0.1770	0.2913	0.3672	0.4004	0.4127	0.1582	0.1886
csn	0.1943	0.1020	0.1718	0.3644	0.3773	0.4181	0.3495	0.4260	0.4106
gdpga	-0.0486	-0.0483	-0.0401	0.0472	0.0396	0.0619	0.0423	0.0540	-0.0600
gdpus	-0.1297	-0.2086	-0.0543	0.1394	0.2177	0.0494	0.0974	-0.0441	-0.0287
tsb	-0.0486	-0.0483	-0.0401	0.0472	0.0396	0.0619	0.0423	0.0540	-0.0600
uetm	-0.0486	-0.0483	-0.0401	0.0472	0.0396	0.0619	0.0423	0.0540	-0.0600
	rd	cpi	imd	imo	psi	csn	gdpga	gdpus	tsb
rd	1.0000								
cpi	0.3814	1.0000							
imd	0.0332	-0.1737	1.0000						
imo	0.4123	0.3904	-0.0731	1.0000					
psi	0.4007	0.4390	-0.0408	0.4108	1.0000				
csn	0.3466	0.2735	0.0877	0.4054	0.1964	1.0000			
gdpga	0.0401	0.0330	-0.0625	0.0745	0.0431	-0.0103	1.0000		
gdpus	0.1577	0.0002	0.1873	0.1129	0.1205	0.1860	-0.0101	1.0000	
tsb	0.0401	0.0330	-0.0625	0.0745	0.0431	-0.0103	1.0000	-0.0101	1.0000

منبع: یافته‌های تحقیق

به دلیل عدم وجود همبستگی بالا بین متغیرهای مدل، از همه ارکان رقابت‌پذیری در تخمین مدل استفاده شده است. در گام بعدی برای برآورد مدل، به منظور تعیین مشخص بودن معادله برآوردی، از آزمون تشخیص سارگان^{۶۱} استفاده می‌شود که نتایج آن در جدول (۷) آورده شده است.

جدول ۷. آزمون اعتبار ابزارهای مورد استفاده در مدل

ارزش احتمال χ^2 آماره

⁶¹ Sargan

کارآفرینی تثبیت شده تأثیر مثبت و معنادار داشته است. رشد تولید ناخالص داخلی بر شکل گیری انگیزه های کارآفرینانه تأثیر مثبت و معنادار داشته است. و با توجه به محیط کسب و کار نامناسب در این کشورها، شاخص سهولت کسب و کار بر روند مراحل مختلف کارآفرینی در این کشورها تأثیر منفی و معنادار داشته است. در جدول (۹) نتایج برآورد مدل بر روند مراحل کارآفرینی در کشورهای کارآیی محور آورده شده است.

جدول ۹. نتایج برآورد مدل برای کشورهای کارایی محور

متغیر	کارآفرینانه انگیزه کارآفرینی نوپا	کارآفرینی تثبیت شده
محیط مالی	۲,۷۴۵ (۰,۹۰)	۰,۲۵۶۸ (۰,۱۶)
سیاست های دولت	۴,۹۲ (۲,۰۵)	۱,۱۳۸۵ (۰,۹۱)
مالیات و بروکراسی	-۴,۵۱۴ (-۱,۹۸)	-۱,۱۲۳۹ (-۰,۹۵)
برنامه های دولت	۷,۵۰۹۳۴ (۲,۳۴)	۲,۰۴۸۵ (۱,۲۶)
تحصیلات پایه ای کارآفرینی	۷,۷۲ (۲,۵۳)	۰,۱۵۵۹ (۰,۱)
تحصیلات دانشگاهی کارآفرینی	۰,۵۸۲ (۰,۱۶)	۲,۹۹۶ (۲,۵۳)
انتقال تحقیق و توسعه	۱۲,۱۰۱ (۳,۱۸)	۶,۵۰۸۲ (۳,۲۲)
زیرساخت تجاری و حقوقی	۱۱,۸۸۶ (۳,۷۴)	۳,۰۳۹۱ (۱,۸۶)
پویایی بازار داخلی	۰,۹۸۸ (۰,۴۶)	۲,۰۳۳۳ (۲,۸۴)
گنجایش بازار داخلی	۶,۶۱۳ (۲,۷۱)	-۰,۸۸۱ (-۰,۴۴)
زیرساخت های فیزیکی و خدماتی	۲,۵۵۴ (۱,۱۳)	۲,۳۸۰۳ (۲,۰۱)

هنجارهای اجتماعی و فرهنگی	۵,۵۵۷ (۱,۱۷)	۸,۰۷۳۸ (۱,۶۸)	۱۴,۱۹۳ (۴,۶۲)
تولید ناخالص داخلی	-۳,۰۰۱ (-۱,۹۸)	-۱,۰۶۳ (-۱,۰۳)	-۳,۵۸ (-۴,۱۱)
رشد تولید ناخالص داخلی سرانه	۱,۰۵۸ (۲,۲۵)	۰,۷۳۷۱ (۱,۵۷)	۰,۰۷۲ (۰,۲۹)
زمان لازم برای شروع کسب و کار	-۰,۱۰۲ (-۲,۰۷)	-۰,۱۱۷۲ (-۲,۴۳)	-۰,۱۴۵ (-۲,۸۸)
بیکاری	۰,۱۷۶ (۰,۵۵)	۰,۱۸۲۵ (۰,۴۹)	۰,۳۱۶ (۱,۷۴)
آزمون خودهمبستگی آرانو و باند			
	Pr>Z	Z	وقفه
وجود خودهمبستگی	۰,۰۰۰۱	-۴,۵۲	اول
عدم وجود خودهمبستگی	۰,۶۵۱	۰,۴۳	دوم

*اعداد داخل پرانتز بیانگر ارزش احتمال آماره t می باشد

منبع: یافته های پژوهش

با توجه به نتایج جدول ۸، تأثیر محیط مالی بر کارآفرینی نوپا و تثبیت شده منفی و معنی دار بوده است که با توجه به توسعه نیافتگی بازارها و مؤسسات مالی در کشورهای منبع محور، این نتیجه دور از انتظار نیست. اما، با توجه به ناکارآمد بودن سیاست گذاری دولت ها و بوروکراسی گسترده در کشورهای منبع محور، سیاست ها و برنامه های دولت و بر روند کارآفرینی در این کشورها تأثیر گذار نبوده است. آموزش کارآفرینی در سطوح پایه ای بر روند کارآفرینی در این کشورها تأثیر مثبت و معنادار داشته است در حالی تحصیلات و آموزش کارآفرینی در سطوح بالاتر دانشگاهی بر روند کارآفرینی تأثیر معنادار نداشته است. متغیر زیرساخت ها و انتقال تحقیق و توسعه با توجه به توسعه نیافتگی و زیرساخت های ضعیف و توسعه نیافته تجاری، فیزیکی و حقوقی بر روند کارآفرینی در این کشورها تأثیر گذار نبوده است. پویایی بازار داخلی بر روند انگیزه کارآفرینانه و کارآفرینی تثبیت شده تأثیر مثبت و معنادار داشته است که این نتیجه را می توان با توجه به سطح بالای تقاضا و نیازهای برآورده نشده در این کشورها توضیح داد. هنجارها و منزلت اجتماعی کارآفرینان در کشورهای منبع محور بر روند انگیزه های کارآفرینانه و کارآفرینی نوپا تأثیر مثبت اما بی معنی داشته است و بر

نرسیده است. با توجه به محیط پویا، رقابتی بودن بازارها و رشد پایدار تقاضا در این کشورها، پویایی و گنجایش بازار داخلی بر روند کارآفرینی تثبیت‌شده و نوپا تأثیر مثبت و معنادار داشته است. تأثیر هنجارهای کارآفرینی بر روند شکل‌گیری و توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه در این کشورها تأثیر مثبت داشته است. توجه به منزلت کارآفرینی و وجود فرهنگ کارآفرینی در این کشورها موجبات رشد کارآفرینی در این کشورها فراهم آورده است. با توجه به محیط کسب‌وکار رو به رشد در این کشورها و زمان شروع به کسب‌وکار نسبتاً مناسب در این کشورها، تأثیر این متغیر بر کارآفرینی تثبیت‌شده مثبت و معنادار شده است.

جدول ۱۰. نتایج برآورد مدل برای کشورهای نوآوری محور

متغیر	انگیزه کارآفرینانه	کارآفرینی نوپا	کارآفرینی تثبیت‌شده
محیط مالی	۰,۳۲۴ (۲,۲۴)	-۰,۲۷۱ (-۰,۴۵)	۰,۰۱۶۷ (۲,۰۳)
سیاست‌های دولت	۲,۳۴۸ (۲,۱۵)	۱,۶۴۴ (۳,۴۳)	۰,۰۵۴۵ (۰,۱۱)
مالیات و بروکرسی	۰,۸۵۴ (۰,۷۰)	-۰,۵۰۰ (-۰,۹۲)	-۰,۴۴۰ (-۰,۷۵)
برنامه‌های دولت	-۲,۹۲۵ (-۱,۷۰)	۱,۵۴۵ (۲,۰۶)	۰,۳۱۸ (۰,۳۹)
تحصیلات پایه‌ای کارآفرینی	-۱,۵۶۵ (-۰,۸۸)	۰,۰۷۷۹ (۰,۱)	۱,۷۸۹ (۲,۱۲)
تحصیلات دانشگاهی کارآفرینی	۰,۴۸۵ (۰,۳۰)	۰,۲۴۵ (۰,۳۵)	۱,۱۷۳ (۲,۳۴)
انتقال تحقیق و توسعه	۳,۷۳۴ (۱,۹۷)	۱,۰۱۲ (۴,۲۲)	۱,۹۸۹ (۲,۲۳)
زیرساخت تجاری و حقوقی	۱,۴۴۴ (۰,۹۹)	۰,۵۹۲ (۲,۹۲)	۱,۴۹۴ (۲,۱۴)
پویایی بازار داخلی	-۱,۳۳۳ (-۱,۴۱)	۰,۲۰۴ (۲,۴۹)	۰,۴۸۴ (۱,۱۰)
گنجایش بازار داخلی	۲,۳۲۵ (۲,۴۹)	-۰,۱۶۶ (-۰,۲۴)	۱,۹۶۴ (۲,۶۶)
زیرساخت‌های	۰,۲۵۹	-۰,۸۶۲	۱,۵۷۳

هنجارهای اجتماعی و فرهنگی	۷,۶۳۷ (۲,۵۹)	۱,۶۰۴۳ (۱,۰۴)	۲,۷۹۴ (۲,۶۲)
تولید ناخالص داخلی	-۲,۵۹ (-۱,۷۳)	-۵,۴۳ (-۰,۷)	-۶,۴۷ (-۱,۳۵)
رشد تولید ناخالص داخلی سرانه	-۰,۰۵۱ (-۰,۲۰)	-۰,۰۸۷۹ (-۰,۶۵)	-۰,۰۲۶ (۰,۳۷-)
زمان لازم برای شروع کسب‌وکار	۰,۰۳۶۴ (۰,۹۸)	۰,۰۳۹۸ (۱,۹۱)	۰,۰۴۵ (۲,۰۲)
بیکاری	-۰,۲۶۸ (-۱,۸۶)	۰,۲۱۹۹- (-۲,۷۱)	۰,۰۲۶ (۰,۲)
آزمون خودهمبستگی آرانو و باند			
وجود خود همبستگی	Pr>Z	Z	وقفه
عدم وجود خودهمبستگی	۰,۰۰۰۱	۳,۸۷	اول
	۰,۶۷۸	۰,۳۹	دوم

با توجه به نتایج جدول ۹، تأثیر محیط مالی بر روند مراحل کارآفرینی در کشورهای کارایی‌محور مثبت اما بی‌معنی بوده است که با توجه به روند روبه رشد بازارهای مالی در این کشورها و گذار از مرحله منبع محوری و ورود به مرحله کارایی‌محور پدیده‌ای قابل‌انتظار است. سیاست‌ها و برنامه‌های دولت و کارایی مالیاتی بروکرسی در کشورهای کارایی‌محور تأثیر مثبت و معنی بر روند شکل‌گیری انگیزه‌های کارآفرینانه و کارآفرینی تثبیت‌شده در این‌گونه کشورها داشته است. آموزش کارآفرینی در سطح پایه موجب ترغیب انگیزه کارآفرینانه در این کشورها شده است و درعین حال تحصیلات کارآفرینی در سطح دانشگاهی بر روند کارآفرینی نوپا و تثبیت‌شده تأثیر معنادار و مثبت داشته است که این مطلب مؤید کارایی سیستم آموزشی در این‌گونه کشورهاست. انتقال تحقیق و توسعه و سرریز دانش در این‌گونه کشورها بر انگیزه کارآفرینی و کارآفرینی نوپا مطابق با مبانی نظری تأثیر مثبت داشته است. تأثیر زیرساخت‌ها در این کشورها بر انگیزه کارآفرینی و کارآفرینی نوپا تأثیر مثبت و معنی‌دار داشته است در حالی بر کارآفرینی تثبیت‌شده تأثیر منفی اما بی‌معنی داشته است که بیانگر این است که سطح زیرساخت‌ها در این کشورها هنوز به توسعه‌یافتگی کامل

پویایی بازار داخلی در کشورهای نوآوری محور محیط مناسبی برای ترغیب انگیزه‌های کارآفرینانه و رشد و پایداری و تثبیت این کسب‌وکارها است. که نتایج برآورد مدل با این نتایج همخوانی دارد. تأثیر هنجارهای اجتماعی بر روند شکل‌گیری و توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه نوپا در این کشورها تأثیر مثبت داشته است. با توجه به محیط کسب‌وکار مناسب در این کشورها و زمان شروع به کسب‌وکار پایین در این کشورها، تأثیر این متغیر بر انگیزه کارآفرینی و کارآفرینی نوپا مثبت و معنادار شده است.

۶- بحث و بررسی نتایج

نتایج ارائه شده در جدول ۸، بیانگر آن است که تأثیر محیط مالی بر مراحل کارآفرینی در کشورهای منبع محور منفی و معنادار بوده است. این نتایج مخالف نتایج استام^{۶۲} (۲۰۱۵) و فریزر^{۶۳} و همکاران (۲۰۱۵) می‌باشد. این نتیجه به دلیل عدم توسعه‌یافتگی بازارهای مالی در اینگونه کشورهاست. همچنین سیاست‌ها و برنامه‌های دولت و بروکراسی اداری گسترده، زیرساخت‌های تجاری، فیزیکی و حقوقی و میزان انتقال تحقیق و توسعه بر روند کارآفرینی در این کشورها تأثیر معنادار نداشتهاست. با این حال، تأثیر آموزش کارآفرینی، پویایی بازار داخلی منزلت اجتماعی کارآفرینان و رشد تولید ناخالص داخلی بر روند رشد کارآفرینی در کشورهای منبع محور تأثیر مثبت و معنادار داشته است. این نتیجه در راستای یافته‌های اشپیگل (۲۰۱۵)، دی‌تاین و چندلر (۲۰۰۷)، کلیپر و اسلیپر (۲۰۰۵) و رونویچ و واردین (۲۰۱۳) است.

در خصوص کشورهای کارایی محور نتایج جدول ۹ بیانگر آن است که عوامل اکوسیستم مانند تحصیلات، انتقال تحقیق و توسعه، پویایی بازار داخلی و زیرساخت‌های فیزیکی و تجاری در کشورهای کارایی محور رابطه‌ی مثبت و منفی‌داری با اکوسیستم کارآفرینانه دارد. این نتایج با تحقیقات اودرچ و همکاران (۲۰۱۵)، اشپیگل (۲۰۱۵)، غنی و همکاران (۲۰۱۴) و رونویچ و واردین (۲۰۱۵) هم‌خوانی دارد.

در مورد کشورهای نوآوری محور، نتایج در جدول ۱۰ بیانگر آن است که سیاست‌ها و برنامه‌های حمایتی دولت، انتقال تحقیق و توسعه، زیرساخت‌های حقوقی و تجاری، پویایی بازار و فرهنگ و منزلت اجتماعی کارآفرینان بر روند رشد

فیزیکی و خدماتی	(۳،۲۲)	(-۱،۵۹)	(۲،۷۹)
هنجارهای اجتماعی و فرهنگی	۱،۱۳۸ (۰،۷۵)	۰،۶۱۰ (۲،۹۲)	۱،۴۱۹ (۱،۹۷)
تولید ناخالص داخلی	۳،۲۵ (۱،۹۶)	-۲،۰۸ (-۲،۸۶)	-۲،۱۶ (-۲،۶)
رشد تولید ناخالص داخلی سرانه	۰،۱۷۹ (۱،۹۱)	۰،۰۷۷ (۱،۸۸)	-۰،۰۵۱۹ (-۱،۱۷)
زمان لازم برای شروع کسب‌وکار	۰،۲۶ (۳،۲۰)	۰،۱۴۰ (۲،۸۵)	۰،۰۰۳ (۰،۱۶)
بیکاری	-۰،۱۰۳ (-۰،۸۴)	-۰،۱۲۳ (-۲،۲۷)	۰،۰۰۹ (۰،۱۶)
آزمون خودهمبستگی آزلانو و باند			
	Pr>Z	Z	وقفه
وجود خود همبستگی	۰،۰۰۰۷	- ۳،۲۳	اول
عدم وجود خودهمبستگی	۰،۶۴۳	۰،۵۴	دوم

اعداد داخل پرانتز بیانگر ارزش احتمال آماره t می‌باشد

منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به نتایج جدول ۱۰، تأثیر محیط مالی بر انگیزه کارآفرینی و کارآفرینی تثبیت شده در کشورهای نوآوری محور مثبت و معنی‌دار است که این پدیده مؤید توسعه‌یافتگی بازارهای مالی در این کشورهاست. سیاست و برنامه‌های دولت در کشورهای نوآوری محور تأثیر مثبت و معنی بر روند شکل‌گیری انگیزه‌های کارآفرینانه و کارآفرینی نوپا داشته است. آموزش کارآفرینی در سطح پایه و در سطح دانشگاهی هر دو بر کارآفرینی تثبیت شده تأثیر معنادار و مثبت داشته است که این پدیده را می‌توان با توسعه‌یافتگی سیستم آموزشی و ارتباط صنعت و دانشگاه در اینگونه کشورها مرتبط دانست. سطح تحقیق و توسعه و نوآوری در اینگونه کشورها بر کارآفرینی نوپا و تثبیت شده تأثیر مثبت داشته است که بیانگر سرمایه‌گذاری کلان این کشورها در امر تحقیق و توسعه است. تأثیر زیرساخت‌ها در این کشورها بر تمام سطوح کارآفرینی مثبت و معنی‌دار است که بیانگر زیرساخت‌های قوی و توسعه‌یافته در این کشورها است. گنجایش و

⁶² Stam

⁶³ Fraser

ضروری و دیگر برنامه‌های تنظیمی، کارآفرینان را حمایت کنند و بدین طریق باعث رشد و تثبیت بیشتر کسب-وکارهای نوپا شود. همچنین دولت‌ها باید با کاهش مقررات بازرگانی و تجاری، زمان فرآیند سرمایه‌گذاری و هزینه‌های کارآفرینان را کاهش دهند.

محدودیت‌های پژوهش و پیشنهادات آتی

شایان ذکر که محدودیت‌های موجود در این پژوهش هم می‌تواند مربوط به مدل مورد استفاده در پژوهش و هم نتایج پژوهش باشد. محدودیت اول مربوط به نتایج تخمین مدل است، زیرا از آنجایی که خطای استاندارد کشورها دسته‌بندی نمی‌شود، می‌تواند منجر به نتیجه نادرست در نمونه کشورهای مورد بررسی شود. محدودیت دوم مربوط به کمیاب بودن داده‌های کشورها و دوره زمانی مربوطه است. محدودیت سوم مربوط به جنبه‌هایی خاصی است که در مدل نادیده گرفته شده است؛ به عنوان مثال، ویژگی‌های خاص کشورها مانند سایر عوامل اقتصاد کلان از قبیل نرخ تورم و میزان سرمایه‌گذاری خارجی، یا ویژگی‌های فردی کارآفرینان مانند ترس از شکست، مهارت‌ها یا قابلیت‌های کارآفرینانه و همچنین عوامل مرتبط با محیط کسب و کار را برای کشورها در تحقیقات آتی می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد. بنابراین، مدل پیشنهادی به‌طور بالقوه می‌تواند متغیرهای بیشتری داشته باشد و در واقع یافته‌های تحقیق حاضر مرتبط با ویژگی‌های خاص مدل مورد استفاده است. با این حال تحقیقات بیشتری لازم است که این جنبه‌ها را نیز در بر بگیرد. یک جنبه برای تحقیقات بیشتر، غلبه بر مفروضات و ساده‌سازی‌هایی است که به عنوان محدودیت‌های مدل هستند.

فعالیت‌های کارآفرینانه در کشورهای نوآوری‌محور تأثیر مثبت و معنادار داشته است. این نتایج مؤید نتایج تحقیقات استام (۲۰۱۵)، رینولدز (۲۰۱۱)، کلاریس و برونیل (۲۰۰۷)، لوی و اوتیو (۲۰۰۷) و مارکمن و همکاران می‌باشد.

تأثیر سیاست‌ها بر نهادها و توسعه بازار مالی بر روند رشد اقتصادی کشورهای کارایی‌محور و کشورهای نوآوری‌محور تأثیر مثبت داشته است در حالی تأثیر این متغیرها بر روند رشد اقتصادی در کشورهای منبع‌محور منفی بوده است. همچنین تأثیر متغیرهای کارایی بازار کالا و پیچیدگی کسب‌وکار بر رشد اقتصادی کشورهای منبع-محور تأثیر منفی و بر روند رشد اقتصادی کشورهای نوآوری‌محور تأثیر مثبت داشته است. این نتیجه با یافته‌های هشواریا و اینگرام (۲۰۱۸) و آکس و همکاران (۲۰۱۸) سازگار است.

۷- نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات

در این مقاله، تأثیر اکوسیستم کارآفرینانه بر انگیزه‌های کارآفرینی، کارآفرینی نوپا و کارآفرینی تثبیت‌شده در ۱۰۷ کشور بین سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۰۸ و با استفاده از منابع داده‌های دیده‌بان جهانی کارآفرینی (GEM) مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج برآورد مدل‌ها نشان داد که تأثیر اکوسیستم کارآفرینانه بر روند فعالیت‌های در مراحل مختلف توسعه‌یافتگی کشورها متفاوت است. با توجه به یافته‌های پژوهش فوق، پیشنهادهایی به‌صورت زیر مطرح می‌گردد:

دولت و سیاست‌گذاران باید با توجه به سطوح متفاوت توسعه‌یافتگی کشورها، سیاستهای بهبود محیط کسب و کار و اکوسیستم کارآفرینانه را تصویب و اجرا کنند. دسترسی به تأمین مالی و محیط مالی توسعه‌یافته برای شروع کسب‌وکار و همچنین دوام و پایداری کسب‌وکارهای نوپا لازم و ضروری است. یک اکوسیستم کارآفرینانه با ویژگی‌هایی مانند موانع ورود به بازار کم، سیاست‌های حمایتی دولت‌ها برای کارآفرینان، تحصیلات پایه‌ای و دانشگاهی در زمینه کارآفرینی، زیرساخت‌های بازرگانی و قانونی توسعه یافته، وجود فرهنگ هنجاری حمایت‌کننده کارآفرینی و نیز محیط کسب‌وکار مناسب، می‌تواند موجبات افزایش انگیزه کارآفرینانه، فعالیت‌های کارآفرینانه و تثبیت این نوع فعالیت‌ها را فراهم آورد. دولت‌ها نیز باید از طریق کاهش یا تخفیف مالیاتی، پرداخت وام‌های

11. Audretsch, D. B., D. Heger, & T. Veith. (2015). Infrastructure and entrepreneurship. *Small Business Economics*, 44(2), 219–230.
12. Blau, D. M. (1987). A time-series analysis of self-employment in the United States. *The Journal of Political Economy*, 95, 445–467.
13. Brenner, R. (1992). Entrepreneurship and business ventures in the new commonwealth. *Journal of Business Venturing*, 7(6), 431–439.
14. Christian, R. R. (2003). Concepts of ecosystem, level, and scale. In Bodini A. (ed.) *Encyclopedia of Life Support Systems (EOLSS)*. EOLSS Publishers, Oxford.
15. Clarysse, B., & J. Bruneel. (2007). Nurturing and growing innovative start-ups: the role of policy as integrator. *R&D Management*, 37(2), 139–149.
16. Davidsson, P., & M. Henrekson. (2002). Determinants of the prevalence of start-ups and high-growth firms. *Small Business Economics*, 19(2), 81–104.
17. Delmar, F., & S. Shane. (2006). Does experience matter? The effect of founding team experience on the survival and sales of newly founded ventures. *Strategic Organization*, 4(3), 215–247.
18. DeTienne, D. & G. Chandler G. (2004). Opportunity identification and its role in the entrepreneurial classroom: A pedagogical approach and empirical test. *Academy of Management Learning and Education*, 3(3), 242–257.
19. Fogel, K., Hawk, A., Morck, R., & Yeung, B. (2006). Institutional obstacles to entrepreneurship. *Oxford handbook of entrepreneurship*.
20. Forfas, F. (2009). *Entrepreneurial Ecosystem: South West Ireland, rethinking entrepreneurship. Baseline Data and Analysis, South West Ireland. Dublin. 26 P. www.forfas.ie.*
21. Fraser, S., Bhaumik, S.K. Wright, M. (2015) What do We Know About Entrepreneurial Finance and its Relationship with Growth? *International*
- منابع**
۱. صمدی، ع، میرهاشمی، م. (۱۳۹۱). بررسی اثر سیاست‌های مالیاتی بر فعالیتهای کارآفرینانه (مطالعه موردی کشورهای منبع محور، کارایی محور و نوآور محور). پژوهشنامه مالیات، شماره سی و سوم، مسلسل ۸۱.
۲. شیری، حامد (۱۳۹۴)، بررسی رابطه دانشگاه با صنعت و چالش‌های آن: پژوهشی کیفی در بین دانشجویان دانشگاه تهران، نشریه صنعت و دانشگاه، سال هشتم، شماره ۲۹ و ۳۰.
۳. شفیعی، مسعود؛ رحمانپوری، محمد و بهادری، مرتضی (۱۳۹۱)، بررسی موانع و راهکارهای ارتباط صنعت و دانشگاه، فصلنامه نوآوری و ارزش آفرینی، سال اول، شماره ۱.
۴. احمدی، زهرا (۱۳۹۴)، شناسایی عوامل مؤثر در ارتباط دانشگاه و صنعت، نشریه صنعت و دانشگاه، سال هشتم، شماره ۲۰ و ۳۰.
۵. شهبایی، علی و معینی، ابراهیم (۱۳۹۴)، مدل‌سازی نقش دانشگاه و صنعت در انتقال تکنولوژی با رویکرد سیستمی، فصلنامه مدیریت توسعه فناوری، دوره دوم، شماره ۴.
۶. امیر پورسعید، محمدعلی (۱۳۹۷)، بررسی جامعه‌شناختی رابطه دانشگاه و صنعت، نشریه صنعت و دانشگاه، سال ۱۱، شماره ۴۰.
۷. نقوی، علی؛ فلاح، حامد (۱۳۹۲)، بررسی ارتباط بین دانشگاه و صنعت با رویکرد کارآفرینی، همایش اتاق یزد، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی یزد
8. Acs, Z. J., Autio, E., & Szerb, L. (2014). National systems of entrepreneurship: Measurement issues and policy implications. *Research Policy*, 43(3), 476–494.
9. Acs, Z. J., Estrin, S., Mickiewicz, T., & Szerb, L. (2018). Entrepreneurship, institutional economics, and economic growth: an ecosystem perspective. *Small Business Economics*, 1–14.
10. Arellano, M., & S. Bond. (1991). Some tests of specification for panel data: Monte Carlo evidence and an application to employment equations. *The Review of Economic Studies*, 58(2), 277–297.

- Entrepreneurship Theory and Practice, 28(2), 129–144.
32. Porter, M.E. (1990). The competitive advantage of nations. New York, NY: Macmillian
33. Reynolds, P., N. Bosma., E. Autio, S. Hunt, N. De Bono, I. Servais, et al. (2005). Global entrepreneurship monitor: data collection design and implementation 1998–2003. *Small Business Economics*, 24(3), 205–231.
34. Reynolds, P.D., Hay, D., Bygrave, W.D., Camp, M.S. & Autio, E. (2001). Global Entrepreneurship Monitor: 2000 Executive Report. Global Entrepreneurship Monitor.
35. Runiewicz-Wardyn, M. (2013). Knowledge flows, technological change and regional growth in the European union: Springer.
36. Salimath, M. S., & Cullen, J. B. (2010). Formal and informal institutional effects on entrepreneurship: a synthesis of nation-level research. *International Journal of Organizational Analysis*, 18(3), 358–385.
37. Shane, S., & D. Cable. (2002). Network ties, reputation, and the financing of new ventures. *Management Science*, 48(3), 364–381.
38. Spigel, B. (2017). The relational organization of entrepreneurial ecosystems. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 41, 49–72.
39. Stam, E. (2015). Entrepreneurial ecosystems and regional policy: A sympathetic critique. *European Planning Studies*, 23, 1759–1769.
40. Stevenson, L., & A. Lundström. (2007). Dressing the emperor: the fabric of entrepreneurship policy. *Handbook of research on entrepreneurship policy*, 94–129.
41. Theodoraki, C., & Messeghem, K. (2017). Exploring the entrepreneurial ecosystem in the field of entrepreneurial support: A multi-level approach. *International Journal of Entrepreneurship and Small Business*, 31, 47–66.
42. Theodotou, M., Christoforou, C., & Anayiotos, C. P. (2012). *Cyprus Small Business Journal*, 33 (1). pp. 70-88. ISSN 0266-2426.
22. Ghani, E., W. R. Kerr & S. O'Connell. (2014). Spatial determinants of entrepreneurship in India. *Regional Studies*, 48(6), 1071–1089.
23. Gnyawali, D. R., & Fogel, D. S. (1994). Environments for entrepreneurship development: key dimensions and research implications. *Entrepreneurship theory and practice*, 18(4), 43-62.
24. Hechavarría, D. M., & Ingram, A. E. (2018). Entrepreneurial ecosystem conditions and gendered national-level entrepreneurial activity: a 14-year panel study of GEM. *Small Business Economics*, 1-28.
25. Isenberg, D. (2011). The entrepreneurship ecosystem strategy as a new paradigm for economic policy: Principles for cultivating entrepreneurship. *Presentation at the Institute of International and European Affairs*.
26. Keuschnigg, C., & S. B. Nielsen. (2004). Start-ups, venture capitalists, and the capital gains tax. *Journal of Public Economics*, 88(5), 1011–1042.
27. Klepper, S. & S. Sleeper. (2005). Entry by spinoffs. *Management Science*, 51(8), 1291-1306.
28. Leibenstein, H. (1968) *Entrepreneurship and Development*. The American Economic Review 58(2):72-83.
- Levie, J., & E. Autio. (2008). A theoretical grounding and test of the GEM model. *Small Business Economics*, 31(3), 235–263.
29. Markman, G. D., P. T. Gianiodis., P. H. Phan & Balkin, D. B. (2004). Entrepreneurship from the ivory tower: do incentive systems matter? *The Journal of Technology Transfer*, 29(3–4), 353–364.
30. Mullins, J. W & D. Forlani. (2005). Missing the boat or sinking the boat: a study of new venture decision making. *Journal of Business Venturing*, 20(1), 47–69.
31. Peterman, N. E., & J. Kennedy. (2003). Enterprise education: influencing students' perceptions of entrepreneurship.

44. Van Stel, A., Storey, D. J., & Thurik, A. R. (2007). The effect of business regulations on nascent and young business entrepreneurship. *Small Business Economics*, 28(2-3), 171-186.

entrepreneurship ecosystem. A roadmap for economic growth. *Nicosia: Curveball Ltd.*

43. Van de Ven, H. (1993). The development of an infrastructure for entrepreneurship. *Journal of Business Venturing*, 8(3), 211-230.